

داکتر سید موسی صمیمی

2011-02-21

گروه بیست 20 G،
ابزار گرداننده « همایش های اقتصادی جهان » در رویایی با « همایش
های اجتماعی جهان »

1. پیشگفتار
2. جهانی شدن غرب مدار، حامل بحران مزمن
3. ساختار «گروه بیست» با تفاوت کشورهای خود مدار و کشورهای پیرامونی
4. هندوستان و چین، دو کشور پیرامونی با راهیافت های متفاوت
 - 4.1. هندوستان، الگوی انکشاف بزرگترین دموکراسی جهان
 - راهیافت از «پایین به بالا» Bottom up -
 - 4.2. جمهوری توده یی چین، الگوی "سوسیالزم واقعا موجود"
 - راهیافت از « بالا به پایین» Top down -
5. نشست سران گروه بیست در سیول، پایتخت کوریای جنوبی، بیانگر درهم آمیزی
 - 5.1. تدابیر پیشگیرانه در راستای عدم تصادم نظرات
 - 5.2. اعلامیه نشست سران کشور های عضو گروه بیست در سیول
6. ارزیابی انتقادی: فرایند دشوار «جهانی شدن پسا امریکا»
 - 6.1. گروه بیست بمثابة ابزار چیره شدن بر بحران « جهانی شدن غرب مدار»
 - 6.2. تولیدات نا خالص اجتماعی درون مرزی، شاخص اغوا کننده
 - 6.3. تامین نسبی «نیازمندی های اولیه» بمثابة حقوق بشر
 - 6.4. وابستگی های اقتصادی
 - 6.5. بکاربرد شاخص بدیل: «توانایی ملی گسترده»
 - 6.6. مبارزه دو راهیافت: «داووس Davos» در رویایی با «پورتو الگر Porto Alegre»
7. چکیده مطالب رویکردها

بخش چهارم و آخری

6. ارزیابی انتقادی: فرایند دشوار «جهانی شدن پسا امریکا»

6.1. گروه بیست بمتابه ابزار ضروری چیره شدن بر بحران «جهانی شدن غرب مدار»

نشست سران گروه بیست در سیول و به خصوص محتوای اسناد ضمیمه اعلامیه، نخست از همه بیانگر در آمیختن گروه کشورهای پیرامونی در گروه هشت تلقی می شود. البته این نکته از طریق ساختار گروه بیست ضامن همسویی کشورهای پیرامونی در اخذ تدابیر سیاستهای اقتصادی با تغییرات کوچک و ناچیز در سطح جهانی شمرده می شود. از آن جایی که تدابیر اقتصادی حاکم در گروه هشت مانند گذشته ها بر اصل لیبرالیزم اقتصادی تکیه می زنند، پس کشورهای نو کرسی پیرامونی در صف گروه خاصه نشینان گروه هشت ملزم به پیروی ازین اصل می گردند.

اولتر از همه گسترش دامنه ساختاری گروه هشت به گروه بیست به هیچ وجه بیانگر نیات نیک و بلند نظری کشورهای خود مدار یعنی گروه هشت نبوده، بلکه این پدیده محصول یک سری از الزامات ناشی از دگرگونی های اقتصاد جهانی می باشد. «جهانی شدن» با سرعت سرسام آور روابط اقتصادی و داد و ستد مالی و به ویژه بروز بحران های متداوم از مدت ها باینسو نیاز بازنگری در بنیاد گروه هشت را بحیث مدیر عامل «تصدی جهانی» (37) روشن نموده بود. ولی سران کشورهای گروه هشت با همکاری های بنیادهای فراملی و جهانی با خود مرکز گرایی های خاص شان تلاش داشتند تا در ورودی کلوب خاصه نشینان را بروی کشورهای نو ظهور پیرامونی مسدود نگهدارند. اما پهنای بحران تاریخی سال های 2007 و 2008 و «آب خیزی های» مالی ناشی از آن، گردانندگان خودنگر چرخ های اقتصادی جهان را واداشت تا در راه چاره جویی و نجات نظام جهانی حاکم، پیوند کشورهای هنوز هم پیرامونی جهان را در گروه بیست محکمتر سازند. در نتیجه آنها تلاش نمودند تا بنیاد نیم بند گروه بیست دیروز را به سازمان مستحکم و با پایه های گسترده تر امروزی استوار سازند. این موضوع، خواسته و یا ناخواسته، به این منجر می گردد که ازین پس گروه بیست در عوض گروه هشت نقش «هیئت مدیره تصدی جهانی» را بازی نموده و درین راستا الزام عمل خواهد کرد. اما گروه هشت باز هم تلاش خواهد نمود تا نقش کلیدی خود را تا مدت های زیاد حفظ کند.

6.2. تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی، شاخص گمراه کننده

طوری که مشاهده میشود در انتخاب کشورهای پیرامونی در گروه بیست از همه مهمتر سطح تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی و در نتیجه سهم آن کشور در تولید جهانی معیار قضاوت قرار گرفته است. این موضوع از چندین نگاه سوال بر انگیز و نا کافی به نظر می رسد.

1) یک نظر گذرا به جدول مقایسوی تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی به قوه خرید به زودی نشان می دهد که در انتخاب کشور ها، حتی با همین شاخص بطور خودسر معامله شده است. به طور نمونه در حالی که کشور ایران درین جدول با احراز مقام 17 بیرون از حلقه گروه بیست قرار گرفته است، اما کشور های ترکیه، استرالیا، عربستان سعودی و در اخیر ارجنتاین، هر یک با ردیف 18، 19، 23، و 24 به عضویت کلوب خاصه نشینان پذیرفته شده اند. (38)

تولید ناخالص اجتماعی در کل و بدون اضافه گویی بیانگر مناسب توان تولیدی یک کشور در یک زمان معین یعنی یک سال خوانده می شود. ولی این رقم و به خصوص رقم درآمد سرانه، که از تقسیم تولید اجتماعی بر تعداد جمعیت یک کشور ناشی می شود، در رابطه با انکشاف سطح اجتماعی و اقتصادی یک کشور گنگ و حتی گمراه کننده است. از طرف دیگر این شاخص اقتصادی به تنهایی به هیچ گونه برای مقایسه و همسری با قدرت های «جهان صنعتی کلاسیک» بسنده نمی باشد.

2) هندوستان اگرچه از نگاه سطح تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی با مبلغ 3,5 تریلیون دالر امریکایی در سطح جهانی در ردیف چهارم قرار می گیرد، ولی در رابطه با درآمد سرانه در سال 2009 با رقم 3.200 دالر امریکایی در جدول دولتها، کشور 165 ام محسوب می شود. به اساس این رقم هند بایست «عقب مانده تر» از کشور های مانند فلپاین، عراق جنگ زده و حتی سری لانکا باشد. (39) در واقع کشور هند اگر از یکطرف به مثابه الگوی خاص انکشاف اقتصادی از پایین به بالا صدق می نماید، از سوی دیگر نمونه بارزی از توزیع غیر عادلانه درآمد ملی محسوب می شود. 25 درصد هندوستانی ها در زیر «خط قرمز فقر» قرار داشته و ناچار در زیر سقف آسمان کبود شب و روز سپری مینمایند. در مقابل امروز 0,001 درصد جمعیت آن کشور و یا یک صد هزار نفر ملیونر دالری شمرده می شوند. (40) از جمله 10 نفر ثروتمندترین انسانهای جهان، چهار نفر آنها با احراز مقام های 4 ام، 5 ام، 6 ام و 8 ام با سطح دارایی های بین 30 تا 45 میلیارد دالر اهل هندوستان هستند (41).

3) در چین با نمونه انکشاف «از بالا به پایین» شمار ملیونرها در سال 2009 به 340 هزار نفر می رسد. (42) اگرچه چین با در نظر داشت تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی در سال 2009 بعد از امریکا حایز مقام دوم می باشد، اما با درآمد سرانه 6.700 دالر امریکایی در سال 2009 در

مقایسه با کشور های دیگر جهان حایز در جه 130ام شمرده می شود.(43) از طرف دیگر به اساس گزارش سازمان عفو بین المللی (Amnesty International) شمار کارگران آواره از دهات به سوی شهر ها و مناطق ساحلی در شرق چین، روز بروز افزایش یافته و این رقم از دو میلیون در سال 1980 به 200 میلیون در حال حاضر می رسد.(44) این گروه "کارگرهای سیار" فاقد هر گونه بیمه های اجتماعی و امکانات تقاعد بوده، بدون قرار داد های منظم و میعادای روزانه در حدود 10 تا 12 ساعت به انجام کارهای شاقه مشغول می باشند. در آمد روزانه این کارگرها، نظر به ارقام رسمی خود حکومت چین به طور اوسط به 2 تا 3 دالر امریکایی می رسد. در حالیکه هزینه زندگی، آنهم به سطح پایین، ماهانه در حدود 80 دالر تخمین می شود. در آخرین تحلیل این سیل کارگران سیار، که در خدمت انباشت سرمایه رهبری شده حزبی میباشند، با روابط تولیدی دهاتی خویش قطع رابطه کرده اند، در ادغام به «انباشت سرمایه» شیوه سرمایه داری، زمینه انکشاف متداوم و تامین نرخ رشد سالانه 9 در صد را در کشور کونفوسیوس ممکن گردانیده اند.

6.3. تامین نسبی «نیازمندی های اولیه» بمثابه حقوق بشر

راهیافت انکشاف هندوستان با الگوی «از پایین به بالا»، منجر به انکشاف سریع بخش های صنعتی گردیده است و تا حد زیادی ممد آزادی های مدنی و در نتیجه بصورت نسبی تامین حقوق بشر خوانده میشود. ولی این نظام تاهنوز در راستای از بین بردن فقر گسترده، به حیث بخش مهم حقوق بشر فاقد پویایی مناسب می باشد. در مقابل راهیافت چین توده یی به مثابه نمونه مشخص انکشاف از «بالا به پایین» از یکطرف با تدابیر تشدد آمیز سیاسی «سوسیالزم واقعاء موجود»، روابط سنتی را در هم کوبیده و در نتیجه زمینه یی سابقه انکشاف تاریخی را میسرگردانیده است، از طرف دیگر این راهیافت که ترکیبی از آزادی های نسبی در بخش اقتصاد خصوصی و مهار کردن های سیاسی از طریق حزب کمونیست می باشد، به تعبیر ویژه خویش به حفظ حقوق بشر پناه می برد. این بدان معنا است که کرسی نشینان حزبی تلاش دارند تا امکانات تهیه یک «لب نان خشک» و خوابیدن «زیر سقف تنگ» برای صدها میلیون انسان مستمند را به حیث دستاورد بزرگ تاریخی در راه تامین حقوق بشر تعبیر و توجیه نمایند. پر واضح است که با رشد نرخ افزایش جمعیت در چین سالانه برای بیشتر از ده میلیون انسان امکانات آموزش و پرورش را میسر ساختن و همچنان برای ده میلیون دیگر زمینه های استخدام را تهیه کردن، همان توانایی اساطیری به اصطلاح «هرکلوسی» -Herkules- را می خواهد، اما رفع نسبی «نیازمندی های اولیه» هیچگاه نمی تواند جاگزین آزادی های اساسی مدنی و حقوق بشر گردد. هم اکنون در چین حقوق و آزادی های سیاسی توده های ملیونی در نطفه خفه میگردند و شیوه های سرکوبگرانه نوع جدید «استبداد

آسیایی» بر شمار روز افزون دیگر اندیشان تحمیل میگردند. به طورنمونه کرسی نشینان سیاسی چین نه تنها لیو شیابو – Liu Xiaobo – برنده جایزه صلح نوبل را زندانی کرده اند، بلکه مانع آنهم شدند تا همسرش و یا کس دیگری به نیابت از او در 11 ام ماه نومبر سال 2010 برای گرفتن این جایزه به اسلو برود. علاوه بر آن چین موفق شد تا از طریق روابط دیپلماتیک مانع حضور شانزده کشور دیگر، از جمله ونزوئلا، روسیه، ویتنام و سری لانکا نیز درین مراسم گردد. (45)

6.4. وابستگی های اقتصادی

هند و چین به مثابه دو کشور پیرامونی که در دو دهه اخیر از انکشاف بی سابقه تاریخی بر خوردار بوده اند، در واقع با یک سری از دشواری های اقتصادی و سیاسی ویژه خویش در مبارزه همیشگی دیده می شوند. نخست هر دو کشور در وابستگی های ادغام با سرمایه های جهانی و تاثیرات بحران ماندگار آن قرار دارند. علاوه بر آن، این کشور ها به ویژه چین با سطح بیشتر از یک تریلیون دالر صادرات در وابستگی بزرگ صادراتی قرار دارد. ولی جمعیت انبوه هر دو کشور که از یکطرف اگر «مشکل افزا» پنداشته می شوند از سوی دیگر به حیث «مصرف کنندگان» می توانند «مشکل گشا» هم باشند. از همین جهت هر دو کشور، با نظر داشت تجارب تلخ از کساد تقاضای بین المللی برای فرآورده های شان، می توانند به تدابیری جهت افزایش تقاضا در درون کشور های شان پناه برند.

وابستگی تهیه انرژی نکته دیگری است که منجر به در دسر دایمی گردانندگان چرخ های اقتصادی هر دو کشور گردیده است. نخست از همه منابع نفت و گاز هر دو کشور به تناسب تقاضای آنها ناچیز می نماید. ذخایر گاز چین در سال 2009 (3 تریلیون متر مکعب) و هند (یک تریلیون متر مکعب) حدس زده شده اند. به این ترتیب هر دو کشور در مقایسه جهانی به ترتیب در ردیف 13 ام و 26 ام قرار می گیرند. اما، با در نظر داشت سطح پایین تولید انرژی درون مرزی و احتیاج روز افزون هر دو کشور، بایست آنها سالانه مقادیر زیاد گاز وارد کنند. در رابطه به تهیه نفت این موضوع هنوز هم پیچیده تر و سوال بر انگیز تر خوانده میشود. درین راستا هر دو کشور نه تنها در رقابت های شدید با جهان غرب قرار دارند، بلکه هر دو کشور سخت تلاش میورزند تا در جهت کسب هر چه بیشتر امتیازات، بویژه در آسیای مرکزی از هم پیشی گیرند. (46)

ازین نگاه، تهیه انرژی برای هر دو کشور نامبرده به یکی از مسایل عمده راهبردی مبدل گردیده است. هر دو کشور برای مرفوع نمودن عطش انرژی، نه تنها بین خود در آسیای مرکزی، ایران، افریقا و در امریکای لاتین در هم چشمی دیده میشوند، بلکه در این ارتباط مجبور اند خواهی خواهی با خواسته های گروه هشت به نحوی از انحا کنار آیند.

اگر در ردیف دشواری های ناشی از وابستگی های اقتصادی مسایل سیاسی درونی و مشکلات مرزی را که هر دو کشور دارند اضافه نماییم، بزودی دیده میشود که با وجود انکشاف بی سابقه تاریخی و کفایت های «غول آسای» آنها، هر دو کشور بسیار آسیب پذیر اند.

6.5. به کاربرد شاخص بدیل- «توانایی ملی گسترده»

بنابر مشکلات ذکر شده در بالا، هر دو کشور تلاش دارند تا در حدود امکانات شان بر تنگنا های اقتصادی از طریق **توانایی های نرم** فایق آمده و راه دور و دراز «بزرگ منشی» را با برد باری های گاندی وار و همسازی های کونفوسیوسی طی نمایند. درین راستا به کار برد شاخصی که در آن بر علاوه بر توانمندی های اقتصادی یک سری از ارقام مهم دیگر نیز در نظر گرفته میشود، تا اندازه ممد خط فکری هر دو کشور پنداشته میشود.

هو انگانگ - Hu Angang - رییس مرکز پژوهشی چین در دانشگاه تسنگ هوا - Tsinghua - و همکارش **مین هونگ هوا** - Men Honghua در تحقیق تحت عنوان «ظهور چین معاصر» - توانایی ملی گسترده و راهبرد بزرگ - در راستای ارزیابی قدرت های ملی بشکل نسبی یک نوع شاخص پیچیده ولی جامع را طرح ریزی نموده اند که به اساس آن می توان توانایی های ملی یک کشور را به واقعیت های جوامع نزدیک ترسنجش و درک نمود.

هو انگانگ باین باور است که «جهانی شدن» در سده بیستم نه تنها روند همجوشی اقتصاد جهان را تسریع نموده است، بلکه همزمان منجر به رقابتهای شدیدتر کشور ها، به ویژه دربین قدرت های بزرگ گردیده است. (47) رقابتهای های بین المللی از یک سو در منابع راهبردی ملی کشور های مختلف بشکل دگر گونی های پویا نمایان گردیده اند و از طرف دیگر در هم چشمی های علنی در راستای توانایی های گسترده ملی بروز می نمایند. در نتیجه این دو پدیده نظر به پیچیدگی های روابط ذات البینی اکثرا با هم در مناقشه قرار می گیرند. درین روند از اهمیت نسبی برخی از کشور ها کاسته شده و در مقابل یک سری از کشور های دیگر دارای نفوذ بیشتر می گردند. به باور هو انگانگ، موقف یک کشور در جامعه جهانی با افزایش و کاهش «**توانایی ملی گسترده**» و در نتیجه با چگونگی آن تعیین و سنجش می گردد. «منابع راهبردی ملی» در واقع تعیین کننده «توانایی های ملی» پنداشته می شوند.

هو انگانگ «منابع راهبردی ملی» را متشکل از هشت جز و 23 شاخص دانسته است؛ ترکیب این عوامل، توانایی ملی یک کشور را باز تاب میدهد. اجزای عمده منابع راهبردی ملی عبارت اند از: (1) منابع اقتصادی، (2) سرمایه بشری، (3) منابع طبیعی، (4) منابع سرمایه، (5) دسترسی به علوم

و فناوری، (6) منابع اداری، مثلا امکانات مالی دولتی، (7) منابع نظامی و (8) منابع بین المللی که دوباره در چهار نکته متمرکز میگردند: واردات و صادرات فرآوردها، خدمات و همچنان داد و ستد از ناحیه جواز اختراعات و دارایی های فکری. (48)

از نگاه این موسسه پژوهشی (Think tank) چینی، بهترین ترکیب این عوامل بحیث شاخص سنجش «توانایی های ملی»، رقم یکصد - یا 100- می باشد. در نتیجه، سنجش این شاخص برای کشور های مختلف می تواند بیانگر نسبی توانایی های ملی آن کشور ها تلقی گردد. «مرکز علوم اجتماعی» چین در سال 2006 در تحقیقی زیر عنوان «کتاب زرد روابط بین المللی»، نتایج سنجش این شاخص را انتشار داده است. نظر به سنجش این بنیاد ایالات متحده امریکا با رقم 92,62 حایز بلندترین مقام گردیده و چین با گرفتن 59,10 امتیاز بعد از بریتانیای کبیر، روسیه، فرانسه و آلمان حایز مقام ششم می باشد. کشور هندوستان با اخذ 50,43 امتیاز بعد از جاپان، کانادا و کوریای جنوبی در مقام 10 ام قرار می گیرد. (49)

به این اساس چین و هندوستان هنوز باید راه طولانی ای را بپیمایند تا در قطار دولت های گروه هشت و به ویژه ایالات متحده امریکا برسند. با وجود آنهم ترکیب این عوامل و تمایل انکشاف در چند دهه اخیر بیانگر سیر صعودی هر دو کشور می باشد. سیاستمداران چین تلاش می نمایند تا با سرعت هر چه بیشتر بر توانایی ملی کشور شان بیافزایند. درین راستا چین، با در نظر داشت عوامل اقتصادی و بکاربرد توانایی های ملی سعی مینماید تا از اشتباهات امپراطوری شوری مبنی بر پایین بودن مولدیت تولیدی، گسترش بیکاری مخفی و موانع زاید دفترسالاری و بویژه از هزینه های کمر شکن نظامی پرهیز نماید.

درین ارتباط ایالات متحده امریکا یک سیر بخصوص را طی نموده است: در حالیکه تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی به نرخ تبادله در آن کشور در مقایسه با تولید اجتماعی جهانی سیر نزولی را پیموده است، اما هزینه های نظامی و توانایی نظامی آن کشور سیر صعودی را طی مینماید. بودجه نظامی امریکا تنها در سال 2009 بر 515 ملیارد دالر امریکایی بالغ می گردد، در حالیکه این رقم در چین 59 و در هندوستان 32 ملیارد دالرامریکایی می باشد. (50) باین ترتیب هزینه نظامی امریکا به تنهایی برابر با هزینه نظامی چهارده کشور است که در جدول نسبی در ردیف بعد از امریکا قرار میگیرند (51)

6.6. مبارزه دو راهیافت متفاوت - «داووس Davos» در برابر «پورتو الگر Porto Alegre»

انکشاف "جهانی شدن" ، دست کم در دهه اخیر بیانگر نقش روز افزون کشور های پیرامونی خوانده میشود. گرچه برای ظهور قدرت های تازه بحیث یک نیروی بزرگ جهانی کفایت های اقتصادی نقش تعیین کننده دارند، ولی دگرگونی ساختار « یک قطبی» جهان یک مسأله پیچیده تر و دراز مدت تاریخی است. «چند قطبی شدن جهان» به حیث یک روند دراز مدت تاریخی با گسترش و تقویت ابعاد سیاسی، نظامی و فرهنگی نیاز دارد.

کشور های پیرامونی که بالقوه به مثابه نامزد های « قدرت های بزرگ» عرض اندام می نمایند، از یکطرف در رابطه با وابستگی های چند بعدی با «جهانی شدن غرب مدار» ، در همزیستی و در هم آمیزی با انباشت سرمایه و بازیابی سرمایه جهانی قرار گرفته اند، در عین زمان و از جانب دیگر تلاش دارند تا از طریق پدید آوردن دگر گونی های کم و بیش، در تدابیر حاکم «لبرالیزم اقتصادی» ، نقش تاریخی شان را هم در جهت استحکام اوضاع درون مرزی و هم در جهت بسط روابط بین الدول به بهترین وجه آن بازی نمایند. بنا برین این کشور ها در دو راهه تاریخی قرار گرفته اند، زیرا:

1) این کشورها قسماً با تاثیر پذیری از کشور های خود مدار غربی و قسماً بنابر نیاز مندی های راهبردی خود شان، با راهیافت های «همایش اقتصادی جهان» همگام گردیده و در نتیجه، بدون ملاحظات ایدئولوژیکی در خدمت سرمایه جهانی قرار میگیرند، که خود نیز روز تا روز جزو آن می گردند .

« داووس Davos دهکده ای است که در سوئیس واقع شده است، و با ارتفاع بیش از 1500 متر از سطح بحر و برفگیری های زمستانی اش، محیط بسیار مناسبی برای هواداران ورزش و تعطیلات زمستانی پنداشته می شود. گرچه این شهرک با چنین خصوصیات تاریخی طولانی دارد، لکن شهرت آن بیشتر ناشی از همایشهای اقتصادی می باشد که از سالهای 70 بدین سو به صورت مرتب در ماه جنوری، با اشتراک نخبگان، دانشمندان، سیاستمداران و مدیران عامل از سر تا سر جهان برگزار می شود». (52) درین همایش ها سیر انکشاف و اوضاع اقتصادی جهان مورد جر و بحث قرار گرفته و تجاویز لازم پیشکش میگردند. به این ترتیب از سه دهه باینسو داووس بحیث کانون اشاعه و بکار برد افکار «نیو لبرالیزم اقتصادی» تبارز نموده است.

2) برخلاف همایشهای اقتصادی جهان در داووس، «همایشهای اجتماعی جهان» در پورتو الگرو Porto Alegre، شهر بندری برازیل بر این نظراند که با تغییر خط فکری حاکم – نئولیبرالیسم – می توان در فرآیند جهانی شدن در جهت رفاه همگانی ورشد پایدار به دستاوردهای درخور توازن اقتصادی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان نایل گردید. (53) پورتو الگرو با تفاوت های فاحش فرهنگی و اقتصادی با داووس به حیث مرکز گردهمایی های گروه های بدیل (الترناتیف) چندان سابقه تاریخی ندارد، اما از پویایی فکری ویژه ای برخوردار است. مسائل جهانی شدن، وامهای کشورهای جهان سوم، عدالت

اجتماعی و حفظ محیط زیست موضوعاتی اند که در این همایش ها مورد بحث و ارزیابی قرار می گیرند. پرواضح است که «رهیافت های» این همایش های اجتماعی در رویا رویی خاص با راه حل های بانیان و حامیان همایشهای اقتصادی جهان منعقدۀ داووس قرار می گیرند. با یک تعبیر خاص همایشهای اجتماعی جهان در پورتوالگر، واکنشی در برابر همایشهای اقتصادی جهان در داووس می باشند.

در واقع داووس و پورتوالگر الگوهای از دو راهیافت متفاوت فکری با اصول «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» می باشند. از آنجایی که نقش پردازان سیاسی و گردانندگان چرخهای اقتصادی و اجتماعی کشور های پیرامونی نوحاسته به مثابه «قدرت های بزرگ اقتصادی» به نحو روز افزونی در بند ساختاری «جهانی شدن غرب مدار» قرار می گیرند، با در نظر داشت بخش کوچکی از اهداف پورتوالگر که در برنامه های کشور های پیرامونی نو ظهور مجسم می شوند، کشور های پیرامونی نیز در خط فکری داووس در همسویی با راهیافت «از بالا به پایین» و در نتیجه در راه ثبات نسبی نظام حاکم جهانی گام بر می دارند.

چکیده مطالب

«جهانی شدن» بیانگر روندی است که در آن همزمانی «انباشت و بازیابی سرمایه» ناشی از نظام سرمایه داری با «شبه انباشت اولیه» در کشورهای پیرامونی، به ویژه در راستای ادغام این «انباشت اولیه» در انباشت سرمایه نظام سرمایه داری به مشاهده می رسد. این همزمانی، در نطفه خود حامل بحران مزمن تاریخی می باشد. چیره شدن بر این بحران اگر از یکسو نیاز گسترش تدابیر اقتصادی کشورهای صنعتی غرب را بر کشورهای نوحاسته پیرامونی روشن می نماید، از سوی دیگر بیانگر سیر نزولی امپراطوری اقتصادی غرب، به ویژه ایالات متحده امریکا خوانده شده می تواند. در نتیجه، این پدیده روند «چند قطبی شدن» جهان را سرعت بخشیده و دگرگونی «جهانی شدن غرب مدار» به «جهانی شدن پسا امریکا» را شکل می دهد. ولی اگر این ساختار با ترکیب و محتوای مورد نظر مانند گروه هشت در همسویی با «همایش اقتصادی جهان» قرار بگیرد، که سیر انکشاف کنونی موید چنین گرایشی پنداشته می شود، پس گروه بیست با اهداف «همایش اجتماعی جهان» مبنی بر شکل بندی جهان به نفع رفاه همگانی و رشد پایدار در رویارویی قرار می گیرد.

رویکردها

Fareed Zakaria, The Post American World and the (1)
Rise of the Rest , A Penguin Book, London,2009,P,xiii

(2) سیدموسی صمیمی، جهانی شدن: فرصت تاریخی و یا وابستگی بیشتر؛
سال 2006. در گفتمان، www.goftaman.com

(3) Fareed Zakaria همانجا، صفحه 13

(4) سیدموسی صمیمی، جهانی شدن: فرصت تاریخی و یا وابستگی
بیشتر؛ سال 2006. در گفتمان، www.goftaman.com

(5).

[http://de.wikipedia.org/wiki/Gruppe_der_zwanzig_wich
tigsten_Industrie-_und_Schwellenl%C3%A4nder](http://de.wikipedia.org/wiki/Gruppe_der_zwanzig_wichtigsten_Industrie-_und_Schwellenl%C3%A4nder)

(6). همانجا

(7). این رقام باساس جدول در رویکرد (5) سنجش گردیده است پر واضح
است که در ترکیب این ارقام تا زمان نوشته موجود تغییرات جزئی رو نما
گردیده که در محتوای مضمون اثر چشمگیری ندارند.

(8) Faried Zakaria همانجا، صفحه 23

A.L.Basham, The Wonder That was India, Rupa (9)
and Co, New Delhi 1994, P. 4

(10) Faried Zakaria همانجا، صفحه 58

(11). همانجا صفحه 71, The last Englishman to rule Indie,
Zakria,

(12). Dilip Hiro, After Empire, The Birth of a Multipolar
Wprld, Nations Books, N.Y, 2010, P. 190-193

(13) [https://www.cia.gov/library/publications/the-world-
\(factbook/geos/in.html](https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/in.html)

(14) Hiro, همانجا صفحه 194

(15) [https://www.cia.gov/library/publications/the-world-
factbook/geos/in.html](https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/in.html)

(16) Hiro, همانجا صفحه 195

Zakaria, (17) همانجا صفحه 196

Zakaria, (18) همانجا صفحه 141

International Herald Tribune, November 25, 10 (19)

(20) همانجا

(21) باسناد آخرین تحقیقات در زمان " جهش بزرگ " در بین سال های
1958 تا 1962 در حدود 45 میلیون چینیایی قربانی تشدد سیاسی و قحطی
گردیده اند

Frank Dötter, Mao's Great Leap to famine, in International Herald Tribune, December
16, 10

http://en.wikipedia.org/wiki/Deng_Xiaoping (22)

Han Suyin, China in the year 2001, Penguin) (23)
Book, 1970, S. 220

Thomas G. Moore, China and Globalization, (24)

Asian Perspective, Vol 23, No. 4, 1999,

RIM Pacific Business and Industries Vol. X, 2010 (25)

No. 35

(26)

http://www.photius.com/rankings/economy/gdp_purchasing_power_parity_2010_0.html

(27)

[http://slatest.slate.com/id/2274484/?wpisrc=newslette](http://slatest.slate.com/id/2274484/?wpisrc=newsletter)
(r

Han Suyin همانجا (28)

http://de.wikipedia.org/wiki/Soft_Power (29)

Zakaria, (30) همانجا صفحه 89

Hiro, (31) همانجا صفحه 239

Hiro, (32) همانجا صفحه 240

http://en.wikipedia.org/wiki/2010_G-20_Seoul_summit) (33)

Forschungsinstitut der Deutschen Gesellschaft für Auswärtige Politik (34)
(35)

(The Washington Post, As G-20 summit nears, China is unlikely to budge on currency, By Robert J. Samuelson Monday, November 8, 2010;) (36)

http://media.seoulsummit.kr/contents/dlobo/E1_Seoul_Summit_Leaders_Declaration.pdf

(37) سید موسی صمیمی، گروه هشت، G8: بروز، گسترش و چگونگی نقش آن در: www.goftaman.com

(38)
http://www.photius.com/rankings/economy/gdp_purchasing_power_parity_2010_0.html
(39)

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2004rank.html?countryName=India&countryCode=in®ionCode=sas&rank=165#in>
(40)

<http://www.focus.de/finanzen/news/vermoeigen-in-indien-explodiert-die-zahl-der-millionaere-aid-349833.html>
(41)

<http://www.spiegel.de/wirtschaft/0,1518,539826,00.html>

http://german.china.org.cn/business/txt/2010-04/02/content_19737872.htm (42)

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ch.html> (43)

(44)

<http://www.spiegel.de/wirtschaft/0,1518,470890,00.html>

The Washington Post, December 13, 10 (45)

<http://www.zeit.de/wirtschaft/2010-01/export-china-deutschland> (46)

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/in.html>

<http://www.irchina.org/en/pdf/hag.pdf>) (47)

همانجا (48)

(49)

http://en.wikipedia.org/wiki/Comprehensive_National_Power

<http://www.globalfirepower.com/defense-spending-budget.asp> (50)

Zakaria, همانجا صفحه 181 (51)

(52) سید موسی صمیمی: همایش های اقتصادی جهان در رویه رویی با
همایش اجتماعی جهان در www.goftaman.com

همانجا (53)